

روزنه آبی

در حاشیه نمایش «مرد بالشی»

«این تفسیر لعنتی شخصی»



سوسن شریعتی

● نمایشنامه مرد بالشی، به قصد پردهبرد داشتن از علت و عامل چند قتل در شهر، با ایجاد یک تئلیت: «نویسنده، مخاطب نویسنده (برادری کوچک و شیرین عقل) و نمایندگان قدرت و قانون (بازجوها)» و با در هم تنیدن چند موقعیت و نسبت (نسبت تخیل و واقعیت، روانشناسی و ادبیات، قاتل و قربانی، جرم و قانون) شکل می گیرد و ما را با پرسش‌هایی بنیادی و جهانشمول روبه‌رو می‌کند:

رسالت ادبیات چیست؟ آیا ادبیات عرصه تخیل است و به جز خلق آزاد، وظیفه و مسؤولیتی را بر دوش ندارد؟ نویسنده در مقام متهم مدام بر این وجه از ادبیات تکیه می‌کند و از پذیرفتن هر گونه نسبتی میان داستان‌هایش و فجایع اتفاقیه سر باز می‌زند. بازجو - این کاشف حقیقت- چنین ادعایی را ناممکن می‌داند و با اشاره به قصه‌ای یا پایانی خوش، می‌خواهد نشان دهد که ادبیات می‌تواند در خدمت زندگی باشد و نه مرگ. با این همه مرد بالشی برای خود وظیفه‌ای قابل است: قابل تحمل کردن لحظه مرگ برای زنان و مردانی که قصد خودکشی دارند و البته برای همه بازماندگان. نویسنده معتقد است که التیام درد و فراهم آوردن گریزگاهی به یمن تخیل، سفرهایی ذهنی به قصد عبور از دیوار تنگ و خشن واقعیت، کار ادبیات است. آیا داشتن این حسن نیت کافی است؟ حتی اگر ادبیات در خلق خود رسالتی بر دوش نگیرد پرشس از مسؤولیت این دعوت و پیامدهای آن، پرسشی است مشروع.

- نسبتب ایده‌ها و عمل: نویسنده تا کجا اجازه دارد بی‌دغدغه موقعیت مخاطب، ظرفیت‌های ذهنی و روحی او خیال بپورزد؟ او فقط برای برادر کوچک عقیم‌مانده‌اش قصه تعریف می‌کرد بی‌آنکه حدس بزند که در حال تربیت یک قاتل است. ایده‌ها هم می‌توانند مجرم باشند. ایده‌ها، موجب می‌شوند و نویسنده مسوول آن موجبات است. مسبب این قتل‌ها کیست؟ نویسنده یا برادری که تحت تاثیر این داستان‌ها مرگب این قتل‌ها شده است. شاید از همین‌روست که او در برابر بازجو با همه ساده‌لوحی‌اش مسؤولیت این قتل‌ها را به گردن برادر نویسنده‌اش می‌اندازد. شاید از همین‌روست که نویسنده پس از آنکه برادر قاتلش را در سلول می‌کشد، مسوولیت قتل‌ها را برعهده می‌گیرد. او مرد بالشی است و با کشتن برادرش کوشیده است و از آن رنج‌هایی که در انتظارش هست مصون نگه دارد. پذیرفته است که مسوول است.

- نسبتب تخیل و حافظه: تخیل خطرناک‌تر است یا حافظه؟ پرسش‌محوری نمایشنامه مرد بالشی شاید همین باشد. چرانویسنده‌ای که مدعی خلاقیت آزاد است میل به خلق چنین داستان‌هایی دارد؟ او در ۱۴سالگی پدر و مادرش را به قتل رسانده است؛ پدر و مادری که برای فعال کردن تخیل او آن یکی فرزند را از آزار می‌داده‌اند. نویسنده نیز در تخیلات خود آنچنان که مدعی است آزاد نیست، و او نیز گرفتار اشباح خود است. قاتل عقبافتاده نیز با تکیه بر همین حافظه غناب دیده قصه‌های برادر نویسنده‌اش را می‌پهنمد و دست‌اندرکار قتل‌هایی فجیع می‌شود. حتی بازجوها نیز به نوعی درگیر این دیروزهای معذب هستند و اما تخیل‌ها همان تخیل‌هایی که دعوت به جوری دیگردین و جایی دیگرفتن است و با همه حسن نیت آمده‌اند که واقعیت را قابل تحمل‌تر کنند هم می‌توانند خطرناک باشند. دعوت به مرگ و انهدام باز همان سوال: آیا این حافظه‌های زخم‌خوردۀ و کودکی‌های آسیب‌دیده موتور حرکت کودک قاتل، نویسنده خالق و بازجوی خشن هستند یا این تخیل مدعی پروازهای آزاد و باید باشد‌های ذهنی است که خطرناک است و مشوق نوعی رفتار. همین دیکلتیک میان حافظه و تخیل است که حقیقت را به برداشت، «به تفسیرهای لعنتی شخصی» تقلیل می‌دهد و جا را بر «تفسیر سیاسی بازجو» و تفسیر جنایت‌بار کودک عقبافتاده» با می‌گذارد. بازجو در برابر این محتومیت جرم و جنایت و توجیه روانشناسانه آن، تذکر قابل توجهی می‌دهد: تا کجا می‌شود هر جرم و جنایتی را با راجع به کودکی توجیه کرد. آیا امکان خروج از این گردونه ممکن نیست؟ اما بی‌ترنگ خود را یادآوری یک خاطره دردناک به گریه می‌افتد و به خشتن خود ادامه می‌دهد.

همه این پرسش‌ها و پاسخ‌های کمابیشی است که مجازات را ناممکن می‌کند. حتی بازجو یک دلش با مجرم است. با نویسنده‌ای که مرگ پدر، مادر خشتن را تارک دیده است. همه درگیر نوعی حسن‌نیت‌اند، با انگیزه‌هایی مثبت. چه نویسنده‌ای که برادرش را نمی‌کشد تا کمتر رنج برد، چه بازجویی که قاتل را تنبیه می‌کند، چه نوجوان عقبافتاده‌ای که همین‌طور بازی، بازی چند کودک را به قتل می‌رساند. در ملغمه‌ای از حسن نیت با بضاعت‌هایی آسیب‌دیده و تخیل‌هایی معیوب، ما با داستانی بسته در میانه یکسری موقعیت‌های موزای قرار می‌گیریم. موقعیت‌هایی در بسیاری اوقات خنده‌دار، در بعضی مواقع پرورش و همیشه قرار گرفته در ابسوردی به نام واقعیت. نمایشنامه‌ای آزاددهنده و البته ترانگیزاننده. آگاهی همیشه این وجه آزارسان را با خود دارد.

همه این پرسش‌ها، پرسش‌های منن ایرانی نیز هست. در کشاکش میان انتقارم‌گزیری از ایده‌ها یا انکتورها در رفعت و ادم میان حافظه‌های معذب و تخیل‌های مشکوک و آسیب‌دیده. این نمایشنامه را باید دید. نه برای پاسخ‌هایش، برای پرسش‌هایش. آلترناتس خنده و وحشت و غم و درد تا عادت نکنی به یک موقعیت و «همینه که هست»ای که ناشم زندگی است: در رفت‌وآمدی مدام میان حافظه و تخیل.



سیدحمیدرضا منتبی سردبیر سایت «موسیقی ما»

به نظرم تعبیری که «همایون شجریان» در هنگام دریافت جایزه، برای برگزاری نخستین جشن سالانه موسیقی ما به کار برد، توصیف مناسبی است: تبدیل «دور از ذهن» به «حقیقت». حاصل تلاش دوستان و همکاران من در چهار ماه اخیر، در شامگاه ۹ تیر به بار نشست و لذتی شیرین در پی داشت. این مراسم پیش از این قرار بود در روز



عکس‌ها: سعید عبدالحی

موسیقی ایران در روزهای باقیمانده تا ماه مبارک رمضان روزهای شلوغی را سیری می‌کند؛ روزهایی که خاطره‌های تلخ و شیرینی برای اهالی این هنر به همراه داشته است. یکی از این خاطره‌های شیرین شامگاه یکشنبه ۹ تیر با حضور بزرگان موسیقی در تالار وحدت و در مراسم نخستین جشن سالانه موسیقی ما رقم خورد. جشنی که توسط یک نهاد خصوصی (سایت موسیقی ما) برگزار و جمعی صمیمی از اهالی رشته‌های موسیقی از سنتی تا پاپ و همراهی جوانان موسیقی دوشادوش بزرگان این رشته برگزار شد و برگزیدگان سال ۹۱ را به انتخاب مردمی و کارشناسان معرفی کردند. شاید همین جمع متفاوت و شکل غیردولتی آن بود که «شوالیه آواز» جزو تقدیرشدگان مراسم بود؛ وی در سخنانی گفت: «خیلی خوش‌حالم که این برنامه اولین برنامه‌ای است که فرم آزاددهنده برنامه‌های دولتی را ندارد و این قدم مثبتی است که امیدوارم در سال‌های بعد نیز ادامه داشته باشد چراکه می‌تواند باعث شادی و ایجاد امید و انگیزه در جامعه و اهالی موسیقی شود و تشویق مناسبی هم برای هنرمندان جوان عرصه موسیقی باشد و ما را هم به آینده امیدوار کند». «شهرام ناظری» که به همراه «کی‌خسرو پورناظری» برای تقدیر و دریافت تندیس طلایی به روی صحنه آمده بود؛ در بخشی از صحبت‌هایش از جای خالی کارشناسان صاحب‌سبک موسیقی گله کرد و گفت: «می‌خواهم به دست‌اندرکاران این مراسم یک تذکری بدهم و آن اینکه اگر بخوایم بدون کارشناسان واقعی موسیقی که امشب جای بسیاری از آنها در مراسم خالی است، کار را ادامه دهیم راه به جایی نخواهیم برد چراکه این کارشناسان تراز اول و هنرمندان منزوی اما برجسته موسیقی هستند که می‌توانند کیفیت چنین رویدادهایی را افزایش دهند پس نگذارید که این نکته تعیین‌کننده از برنامه‌های شما فراموش شود».

کی‌خسرو پورناظری موسیقیدان آرام و بی‌حاشیه نیز در زمان دریافت جایزه‌اش با تشکر از همه کسانی که این مراسم را گرفته‌اند گفت: «آرزو می‌کنم همه جوانان سفیران شادی و هنر ایران در سراسر جهان باشند».

ناظری و پورناظری تندیس و لوح سپاس خود را از دست سیدمحمد بهشتی و جواد مجابی دریافت کردند.

اما تقدیر از عبدالوهاب شهیدی خالق زندگی بی‌ششم تو» یکی دیگر از بخش‌های این مراسم بود که با حضور صادق طباطبایی، جواد مجابی و علی هاشمی از دوستان نزدیک شهیدی برگزار شد.

شهیدی بعد از دریافت لوح سپاس گفت: «بی‌نهایت از همه شما سپاسگزارم. امیدوارم این برنامه پلیرجامه‌اند که هنرمندان موسیقی لاف‌لاف سالی یکدفعه یکدیگر را ببینند».



عکس روز

گالری «نامی» خانه هنرمندان ایران، این روزها میزبان نقاشی‌های نقاشی خودآموخته با نام «ننه حسن» است. نقاشی که تصاویرش آثار مکرمه قنبری را به یاد می‌آورد. منور رضایی معروف به «ننه حسن» متولد ۱۳۱۶ خورشیدی در سهرورد و ساکن شهرستان خدابنده شهر قیدار از توابع استان زنجان، نقاش خودآموخته ایرانی است که از کودکی تا سن ۷۰سالگی به هنر قالیبافی و طراحی نقوش قالی مشغول بوده و در سالیان اخیر به نقاشی روی آورده و در زمره نقاشان خودآموخته ایرانی قرار گرفته است. اکنون آثار این نقاش خودآموخته به همت فرزندش به گالری نامی خانه هنرمندان ایران آورده شده است تا پیش‌روی علاقه‌مندان قرار گیرد.

عکس: فارس

هنر

مضرب

به بهانه نخستین جشن تاریخ موسیقی ما

نوید همدلی

نگاه یکسان به هنرمندان این عرصه -فارغ از سبک و رشته فعالیت‌شان- پایه‌ریزی کردیم. این مراسم، اولین تجربه جدی برگزارکنندگان آن در برپایی چنین همایش عظیم و پرستاره‌ای بود و قطعاً عاری از اشکالات عدیده نبوده است. اما اتفاقی که تاکنون در تاریخ موسیقی ایران سابقه نداشت، رخ داد و آن گردآوری تملعی بزرگان موسیقی ایران زیر یک سقف بود تا همه بدانیم -که- ضمن رعایت شأن همه هنرمندان در جای خود- نباید



عکس‌ها: سعید عبدالحی

برای اولین بار مخاطبان در کنار کارشناسان، برترین‌های موسیقی را انتخاب کردند

لبخند مردم به موسیقی

کیمیا امینیان

که به من تعلیم داد و آموخت، همایون شجریان جایزه اجرای زنده موسیقی را در شاخه کارشناسی دریافت کرد. در بخش مردمی این «سالار عقلی» بود که جایزه بخش سنتی را گرفت. در بخش بهترین اجرای زنده موسیقی پاپ احسان خواجه امیری و محسن یگانه به صورت مشترک نفرات برگزیده شاخه کارشناسی و فرزاد فرزین نفر برگزیده شاخه مردمی انتخاب شد. بهترین آهنگساز سنتی هم «حسین علیزاده» به‌عنوان هنرمند برگزیده شاخه کارشناسی و «فردین خلعتبری» به‌عنوان هنرمند برگزیده شاخه مردمی انتخاب شدند. «علیرضا قربانی» صدای دیگری بود که در بخش بهترین



عکس‌ها: سعید عبدالحی

آلبوم سنتی برای «حریق خزان» جایزه کارشناسی را گرفت. قربانی در زمان دریافت جایزه با استناد به صحبت‌های شهرام ناظری برای بهره‌گیری کارشناسان زبده عرصه موسیقی پاپ احسان خواجه امیری و محسن یگانه گفت: «بهتر است در بخش کارشناسی این برنامه ارزشمند دقت زیادی صورت گیرد چراکه ما کارهای بسیار خوبی در عرصه موسیقی سنتی داریم که کمتر دیده شدند و اگر بتوان حمایت بیشتری از آنها کرد از این معصومیت رهایی پیدا خواهند کرد». قربانی در بخشی از این مراسم دو قطعه از آلبوم رسوای زمانه را به یاد استاد همایون خرم که سالروز تولدش ۶ تیر است

نیز اجرا کرد. جایزه بهترین قطعه موسیقی تلفیقی و سایر آثارها نصیب قطعه «عزای عالم» به آهنگسازی آریا عطیعی‌نژاد به‌عنوان قطعه برتر شاخه کارشناسی شد. در این بخش قطعات گروه «دیوار» به‌عنوان اثر برتر شاخه مردمی معرفی شد. محسن چاووشی هنرمندی بود که به‌عنوان خواننده برتر به انتخاب مردم برگزیده شد. قطعه «غلط کردم غلط» این هنرمند به‌عنوان قطعه برتر بخش مردمی انتخاب شد. تهیه‌کننده آلبوم به نیابت از چاووشی که در این مراسم نبوده، متنی را به این شرح خواند: «خوش‌حالم از اینکه جایزما را از مردم

گزارش روز

مجید سعیدی برنده مسابقه عکاسی «ان پی پی آ»

مجید سعیدی، فتوژورنالیست ایرانی، برنده جایزه دوم یکی از گرایش‌های مسابقه عکاسی خبری انجمن ملی عکاسان خبری (NPPA) در سال ۲۰۱۳ شد.

این مسابقه بین‌المللی ژورنالیستی در چهار بخش عکاسی، ویدیو، مولتی‌مدیا و ادیت برگزار می‌شود که هر یک از این بخش‌ها دارای زیرمجموعه‌های موضوعی و تخصصی هستند. مجید سعیدی با مجموعه‌ای شامل ۱۲ فریم به نام «بدنساز» در افغانستان» موفق به کسب جایزه دوم در بخش عکاسی با گرایش مجموعه عکس ورزشی شده است. این عکاس خبری ایرانی در این مجموعه، که پیش از این موفق به کسب مدال طلای نهمین دوره مسابقه بین‌المللی عکس خبری چین هم شده بود، به علاقه روزافزون جوانان افغان به ورزش بدنساز می‌پردازد که بیشتر تحت‌تاثیر قهرمانان و الگوهای ارایه‌شده در فیلم‌های هالیوودی به این رشته روی می‌آورند. امسال هیات داوران بخش عکسلی این

گزارش روز

مجید سعیدی برنده مسابقه عکاسی «ان پی پی آ»

مسابقه از سه نفر تشکیل شده بود که کار داری آثار را در مدرسه ارتباطات دیداری دانشگاه اوهایو انجام دادند. فهرست کامل برگزیدگان هر چهار بخش این دوره از مسابقه را می‌توانید اینجا ببینید. در این فهرست عنوان فتوژورنالیست برتر سال ۲۰۱۳ این مسابقه از آن Rj Sngosti نامیده شد و نوربست شده است. انجمن ملی عکاسان خبری یا NPPA در سال ۱۹۴۶ با انتشار نشریه‌ای در بوستون ایالت ماساچوست در آمریکا تاسیس شد که در سال‌های اولیه بیشتر در راستای ایجاد ارتباط بهتر میان دولت و اعضای رسانه‌های عرصه روزنامه‌نگاری تصویری فعالیت می‌کرد. این انجمن امروز در شهر دورهام ایالت کارولینای شمالی مستقر است و هدف خود را کمک به بهبود شرایط کاری و گسترش فعالیت‌های خبری تصویری در عصر اینترنت عنوان می‌کند. برایایی این مسابقه، اهدافی بورسیه و آموزش عکاسی خبری و دیگر اشکال روزنامه‌نگاری تصویری مانند مولتی‌مدیا و ویدیو از فعالیت‌های سال‌های اخیر این انجمن بوده است.

تماشاخانه

«احساس آبی مرگ» را باید دید



رخشان بنی‌اعتماد

● این‌روزها در فرهنگسرای ارسباران تئاتر مستند «احساس آبی مرگ» به کارگردانی امین میری و نویسندگی سجاد افشاریان بر صحنه است. پرده‌ای از زندگی نوجوانان ما در زیرپوست شهر. واقعیت تلخ خشونت جاری در جامعه، که قربانی می‌گیرد و قربانی می‌دهد. قربانیانی که طعم زندگی نجشیده، مرگ را تجربه می‌کنند و در نهایت از خشونت، خشونت زاینده می‌شود و از خشونت، خشونت... «احساس آبی مرگ» حاصل تلاشی است ارزشمند که با صبورۃ جمع سازنده، از هفت‌خوان گذشته و بر صحنه آمده تا کار مهمی روی پای اثر نمایشی پیش‌روی بیننده بگذارد. «احساس آبی مرگ» را باید دید.

خبر روز

«آرزوها در اعماق»

بهترین فیلم جشنواره شانگهای شد

● شرق: فیلم «آرزوها در اعماق» به کارگردانی «آرمین ایثاریان» به‌عنوان بهترین فیلم کوتاه و بهترین فیلمنامه در بخش فیلم‌های کوتاه داستانی شانزدهمین جشنواره شانگهای انتخاب شد. جشنواره بین‌المللی فیلم شانگهای که از معتبرترین جشنواره‌های فیلم آسیاست، در دو بخش فیلم کوتاه و بلند داستانی برگزار می‌شود. در بخش فیلم‌های کوتاه از میان دههزارو ۲۴ فیلم ارسالی به جشنواره، تنها ۲۵ فیلم به مرحله نهایی راه پیدا کرده و به نمایش درآمده. فیلم «آرزوها در اعماق» به کارگردانی آرمین ایثاریان تنها فیلم ایرانی حاضر در جشنواره بود که موفق شد جایزه «بهترین فیلم کوتاه» شانزدهمین جشنواره شانگهای را به خود اختصاص دهد. محمد طلوعی نویسنده فیلمنامه، اشکان اشکانی تصویربردار، پیام صبیح طراح صحنه و ایسان، کاوه قهرمان، ندوین، بابک میرزاخانی آهنگساز، صادق ملکی، مجید آقاقرمی، بهنام بهاری و میلاد کسایان بازیگران این فیلم هستند. شانزدهمین دوره جشنواره فیلم شانگهای از ۲۵ تا سوم خرداد در چندین مجموعه این شهر از جمله مرکز فرهنگ فیلم‌های، گراند تئاترهاال شانگهای و کروان پلازا و چندین مرکز دیگر برگزار شد.

زیر آسمان فیروزهای

انجمن چهره‌پردازان دنبال

«خانه سینما»ی دیگری نیست

● شرق: انجمن چهره‌پردازان سینمای ایران طی بیانیه‌ای رسماً اعلام کرد که به‌دنبال راه‌اندازی «خانه‌سینما»ی دیگری نیست. به گزارش «شرق»، انجمن چهره‌پردازان سینمای ایران با انتشار متنی که به امضای شورای مرکزی انجمن رسیده است اعلام کرده که در هیچ تشکلی شرکت نمی‌کند. متن بیانیه به این شرح است: «با احترام به جامعه اصناف سینمای ایران (خانه سینما) انجمن چهره‌پردازان ایران لازم می‌داند بر این مهم اعلام داشته باشد با توجه به اینکه عضوی از اعضای سینمای ایران خود را دانسته در هیچ تشکل صنفی که تحت عنوان خانه سینمای جدیدی یا عناوین دیگر که جایگزین خانه سینمای ایران گردد شرکت نخواهد داشت.» این بیانیه به امضای مهین نویدی، پروانه پورمحمدی، بیژن محتشم، محمدرضا زاهدی و سایر اعضای شورای مرکزی انجمن چهره‌پردازان سینمای ایران رسیده است.

سرخط

● مهر: غلامحسین امیرخانی با جدیدترین اثر خود با عنوان «کتاب سوره حمد، در دهمین جشنواره بین‌المللی بسم‌الله شرکت می‌کند.

● ایسنا: سخنگوی شورای صنفی نمایش ضمن اعلام نیمه‌پایودن بلیت سینماها در ماه مبارک رمضان، پنج فیلم «دهلیز» به کارگردانی بهروز شعیبی در گروه «آزادی»، «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» به کارگردانی پوران درخشنده در گروه «آفریقا»، «جابه‌جا، علی توکلی‌نیا در گروه «عصر جدید»، «فرزند چهارم» و وحید موساییان در گروه «قدس» و فیلم سینمایی «هیچ کجا، هیچ‌کس» به کارگردانی ابراهیم شبیلانی در گروه «استقلال» را اکران عیدفطر معرفی کرد.

● مهر: فیلم کوتاه داستانی «پس از ۱۵سال» با نام سابق «جدول» به کارگردانی و بازی بابک حبیبی‌فر به مسابقه جشنواره بین‌المللی Walthamstow در شهر لندن راه یافت.

● شرق: در حالی که تورج نصر به دلیل بیماری قلبی در منزل بستری است، طبق تجویز پزشک وی ممنوع الملاقات نیز است.